

المُسْتَعَان

فِي

إِعْرَابِ الْقُرْآنِ

الجزء الخامس و الجزء السادس

المجلد الثالث

مَوْسُوعَةٌ صَرْفِيَّةٌ، نَحْوِيَّةٌ وَ لُغَوِيَّةٌ فِي تَأْطِيقِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
بِرَّرْسِي صَرْفِيٍّ، نَحْوِيٍّ وَ لُغَوِيٍّ وَازِهِ هَايِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ

عَرَبِيٍّ، فَارْسِيٍّ

تَأْلِيفُ:

الدكتور سيد رضا نجفي

أستاذ جامعة إصفهان

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

مدرجات:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیوبی:

شماره کتاب‌شناسی ملی:

نجفی، سید رضا، ۱۳۴۱-

المستعان فی اعراب القرآن / تألیف سید رضا نجفی.

اصفهان: کتابخانه نجف، ۱۳۹۲-

ج. ۴۲۶ ص.

دوره: ۰-۵-۹۴۰۷۰-۹۷۸، ج ۱: ۱-۵-۹۴۸۱۵-۹۷۸، ج ۲: ۱-۲-۹۴۸۱۵-۹۷۸؛

ج ۳: ۵-۴-۹۴۸۱۵-۹۷۸، ج ۴: ۸-۳-۹۴۸۱۵-۹۷۸، ج ۵: ۹-۶-۹۴۸۱۵-۹۷۸

فایا

عربی.

پشت جلد لاتینی شده: ... Sayed Reza Najafi. Al-Mosta'an fi erabe

ج. ۲ و ۳ و ۱۴ و ۱۵ (چاپ اول: ۱۳۹۵ (فیفا)).

کتابنامه.

نمایه.

ج ۱. سورة الحمد و سورة البقرة... ج ۲. جزء ۳ و ۴: سورة البقرة - سورة النساء - ج ۳. جزء ۵ و ۶: سورة النساء

- سورة المائدة - ج ۴. جزء ۲۷ و ۲۸: سورة الذاریات الی التحريم - ج ۵. جزء ۲۹ و ۳۰: سورة الملك

الی سورة الناس

قرآن -- صرف و نحو

Qur'an -- Gram.

قرآن -- اعراب

Qur'an -- *Diacritics

BPAT/AN ۱۳۵

۱۵۳

۳۳ ۸۰۸



- نام کتاب:المُسْتَعَانُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآن - المجلد الثالث
- مؤلف:دکتر سید رضا نجفی
- صفحه‌آرا:عباسعلی ربانی
- نوبت چاپ و سال انتشار:چاپ اول - ۱۳۹۵
- شمارگان:۱۰۰۰
- ناشر:کتابخانه نجف
- چاپ و صحافی:نگار اصفهان
- شابک جلد سوم:۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۱۵-۴-۵
- شابک دوره ۱۵ جلدی:۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز فروش: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی اصفهان

تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۸۶

تماس با ناشر - مؤلف: ۰۹۱۳۱۱۵۰۶۱۸

پست الکترونیکی: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۱	سُورَةُ التَّوْبَةِ
۲۶۶	سُورَةُ الْمَائِدَةِ
۴۲۳	فهرس المصادر و المراجع

www.ketab.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ از تحریف و تبدیل حفظ نمود و درود بی‌کران خدا بر پیامبر اعظم که وی را نذیر و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. مسلمانان و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت بر آن در سطور همت گماشتند و علما در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناخت آن، سعی بلند، بدان روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند و بعضی به تجوید و ترتیل، بعضی به بلاغت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان‌گونه که بعضی برای دریافت عبرت‌ها، به قصص و امثال قرآن توجه نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان مشکلات اعرابی یا صرفی و نحوی آن همت گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن و آشکارا ساخته است و اعراب در اصطلاح نحویان عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه‌ای که در خطایی نباشد، این هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می‌داند که عامل در آخر اسم متمکن آشکار می‌سازد. برخی مانند ابن‌مالک، اعراب را پدیده‌ای لفظی دانسته‌اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آن کلمه ظاهر می‌شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده‌ای معنوی دانسته‌اند که حرکات و سکونات دلیل بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات است. اما بر پایه‌ی معنای لغوی همه‌ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایاتی که دعوت به فراگیری اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمِسُّوا غُرَائِهِ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است و در روایت دیگری فرمود: أَعْرَبُوا الْكَلَامَ كَيْ تُعْرَبُوا الْقُرْآنَ. در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداهاى هر واژه می‌باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه‌ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می‌انجامد. از این رو اعراب هزاد زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می‌گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَقَن اسلامی، نخستین بار علام اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَد دُوْلِی (م. ۶۹۰ق) به اشاره امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) و با کمک یحیی بن یَعْمَر، آغازگر اعراب‌گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب‌گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت فتحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی‌شک أَبُو الْأَسْوَد غرضی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در آن زمان در آمیختن با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار انحراف گردد.

نقطه‌نمای اعرابی از حدود یک قرن به دست خلیل بن أحمد قَرَاهِیْدِی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های مختلف درآمد. به تدریج به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته با تحولی در اعراب قرآن مواجه می‌شود. دانش‌اندانی همچون عبدالله بن ابی اسحاق، ابو عمرو بن غلاء، عیسی بن عُمَر ثَقَفِی، یونس بن خبیب... به تحول و تبیین نقش‌های کلمات در آیات قرآن پرداختند و برجسته‌ترین دانشمندان این دوره سیبویه است؛ وی اثر گران سنگ خود "الکتاب" که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، به تحلیل و نقل نحوی کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سیبویه در "الکتاب" به ۴۱۳ آیه قرآن کریم در باب بحث گوناگون نحوی استشهاد کرده است.

با ظهور سیبویه و اثر برجسته‌اش "الکتاب"، مکتب نحوی بصره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانون‌گردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس در نحو عربی است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، نحو کوفه پیشوایی کسایی (م. ۱۸۹ق) پدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی نحوی بصره را اعتبار بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. یکی از دلایل پیشتازی نحو بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، متهم شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های ضعیف بود. در اواسط سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب نحو بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندانی چون ابن خالَوَیْه، ابن دُرَّسَوَیْه، ابن جَنّی، زُجْجَاج و زَحَّشَری به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اندلس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن سبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش بپردازند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر زَوَّاسِی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) هو که استاد کسایی و قُرَّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طَّرسی اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناهمکن است. و بعضی مانند ابن هشام و سیوطی و زُرکشی اعراب را فرع بر فهم معنا می‌دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی‌شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می‌شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرایی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنی مناسب برداشت می‌شود. لیکن ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هنگام رجوع به عبارت باید هر دو مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می‌کند و اعراب در کشف معنا مفسر را یاری می‌رساند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان فنی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن دانشمندان که به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای گوناگون آثار از خود برجای گذاشتند. پس از رؤاسی بعضی مانند منکی بن ابی طالب القیسی (م ۴۳۷ق) که مشتمل بر اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابنُ الأَثیر صریحاً به جانب غریب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند ابوالبقاء الفکری (م ۶۱۶ق) در کتابش به نام "إملاء ما من به الرحمن"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر مواردی که آشکار باشد، ابواسحاق رَجَّاح (م ۳۱۱ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود اعراب قرآن روی آورده است و بعضی مانند قراء در کتاب "معانی القرآن" و ابن جَیّ (م ۳۹۲ق) در کتاب "المُسنَد" و ابن فارس (م ۳۹۵ق) در کتاب "حجّة" و نَحَّاس (م ۳۳۸ق) در کتاب "إعراب القرآن" به پرداختن به اعراب و قرائت پرداخته‌اند و دیگر کسانی که از قدما در اعراب القرآن، صاحب تألیف می‌باشند عبارتند از: قُطُوب (م ۲۰۶ق)، أَبُو خاتم السَّجِسْتانی (م ۲۴۸ق)، و أَبُو العَیَّاس المُرَدّی (م ۲۸۶ق)، و أَبُو العَیَّاس ثَعْلَب (م ۲۹۱ق)، و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بن خَالَوَیَه (م ۳۷۰ق)، و أَبُو زَکَرِیَّا نَیْزَمی (م ۵۰۲ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می‌توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده‌اند، مانند مُحَمَّد رَیْحَنی (م ۵۳۸ق)، در کتاب "الکشاف"، و أَبُو حَیَّان الأندلسی، در کتاب "بَحْرُ الْمُحِیط"، حسن طَّرسی در کتاب "تَجَمُّعُ الْبَیَان". و در میان کتاب‌های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "اعراب القرآن" رَجَّاح و "مَعْنَى اللَّیْب" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می‌باشد. در حالی که کتاب‌های گذشته

در واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سُوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بیانه" از نجی الدین درویش و "المجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه" از محمود صافی از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وابسته به صدا و سیما مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم‌افزار و دریافت نتایج و بازخورد ها، آگاهی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواها ارائه اعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُسْتَعَانُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ**، در پاسخ به این درخواست تهیه و به هر مشتاقان درک معانی بلند قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آموزشی که ویژه پژوهشگران علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعه الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با فصل دوازدهم در بیان گروه‌های زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین گشته، روش شده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع رایج در میان فصیحان عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظم و نظام جاری گزیده شود و با پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در بیان اعراب و چارچوب اصطلاحات و قواعد پذیرفته شده در صنعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب و وجه ظهور و اصلی و مختار در متن، بعضی وجوه مُحْتَمَل و مُرْتَبِط دیگر نیز، به زبان فارسی در پاورقی برای پژوهشگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در خاتمه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزء ۵ و ۶ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همه‌ی واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین همه عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر این، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و یا نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هرآیه در دسترس خواننده قرار گرفته است و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه، اسم، فعل یا حرف، اطلاعات برابر

در کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت گذاری کامل، برابر نمونه های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:

قَدْ: حرف، حرف تَحْقِيقِي، غَيْر مُعَايِل، مَبْنِي، بِنَاؤُهُ أَصْلِي، مَبْنِي عَلَى الشُّكُون.

عَلَى: حرف، حرف جَزْ، مُتَعَلِّقٌ بِفِعْلِ قَبْلِهِ، عَامِل، مَبْنِي، بِنَاؤُهُ أَصْلِي، مَبْنِي عَلَى الشُّكُون.

برای اسم معرب ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و اعراب با دو خط اریب: // از هم جدا گشته اند:

الْحَمْدُ: (إِسْمٌ، جَامِدٌ، مَذْرُوعٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُنْصَرِفٌ، ح م د، الْفَعْلُ، مُعَرَّبٌ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمِّ)

برای اسم غیر عربی تنها ۱۰ ویژگی صرفی و برای اسم عدد معرب ۵ ویژگی صرفی و اسم عدد مبنی ۷ ویژگی صرفی و برای ظرف و اسم مبنی ۱۰ ویژگی صرفی نوشته می شود، مانند:

مُوسَى: (إِسْمٌ، إِسْمٌ غَيْرُ عَرَبِيٍّ، مَعْرُودٌ، مَعْرُودٌ، تَبْدِيلُ مُنْصَرِفٌ مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمَقْدَرَةِ).

الْف: (إِسْمٌ، إِسْمٌ عَدَدٌ، مَفْرُودٌ، مُذَكَّرٌ، مُعَرَّبٌ. // مَوْجُودٌ فِيهِ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ).

تِسْعَةُ عَشْرَةَ: (إِسْمٌ، إِسْمٌ عَدَدٌ، مَفْرُودٌ، مَوْثُوتٌ، مَبْنِي، بِنَاؤُهُ عَارِضٌ، مَبْنِي عَلَى الْفَتْحِ. // مُضَافٌ إِلَيْهِ، مُجَرَّرٌ تَحَلًّا).

بَيْنَ: (إِسْمٌ، ظَرْفٌ، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوِّبٌ بِالْفَتْحَةِ).

مَنْ: (إِسْمٌ، إِسْمٌ شَرْطٌ جَارِمٌ، مَبْنِي عَلَى الشُّكُون. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ تَحَلًّا).

برای هر فعل مبنی: ماضی و امر حاضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای فعل معرب مضارع و امر غائب، ۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقدیم شده است و نوع اعراب فعل مضارع نیز پس از بخش صرف مشخص شده است.

عَلِمَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مَاضٍ، لِلْغَائِبِ ۱، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ع ل م، فِعْلٌ، مَبْنِي، بِنَاؤُهُ أَصْلِي، مَبْنِي عَلَى الْفَتْحِ. // فَاعِلُهُ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ.

كُلُّوا: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْمُخَاطَبِينَ ۹، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، أَك ل، عَلُو، مَبْنِي، بِنَاؤُهُ أَصْلِي، مَبْنِي عَلَى خَذْفِ التَّوْنِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: إِسْتِنَائِيَّةٌ، لَا تَحُلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

تَنْبِئُ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْعَائِيَةِ ٢، ثَلَاثِي مَزِيدٌ: إِفْعَالٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ن ب ت، تَعْمَلُ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ. // فَاعِلُهُ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ.

لِيَصُومَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْعَائِيَةِ ١، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ص و م، لِيَقُلْ، مُعَرَّبٌ. // مَجْزُومٌ بِالشُّكُونِ. // فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ خَوَازِئًا تَقْدِيرُهُ "هُوَ". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الْجَزْمِ، خَوَابِ الشَّرْطِ.

در ترجمه اسم و فعل تلاش شده است معنای واژه بدون توجه به ماقبل و مابعد آن و سیاق آیه موردنظر، ارائه گردد، از روی به عنوان مثال حرف نفی تأثیری در ترجمه نداشته و فعل های منفی، مثبت معنا شده است.

همان گونه که در نمونه های بالا مشاهده شد، مرفوع هر فعل یعنی نوع فاعل یا نائب فاعل در فعل های تام و نون اسم در فاعل های ناقص، با یکی از گزینه های: ضمیر مستتر، ضمیر بارز، اسم ظاهر و یا مصدر مؤول در مقابل بود فعل مشخص شده است.

نوع جمله، چه مفعولی، چه خبری و چه جمله هایی که محلی از اعراب دارند و چه جمله هایی که محلی از اعراب ندارند، مقابل فعل امر مرفوعش ضمیر است و یا در مقابل فاعل، نائب فاعل، خبر و یا معمول هایی مانند مفعول به، مفعول فی، و معمول مطلق که فعل آن ها محذوف است معین می گردد. مانند این جمله اسمیه که خبر آن خود جمله امری است:

هُم: إِسْمٌ، ضَمِيرٌ مُنْفَصِلٌ مَرْفُوعٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الشُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ تَحَلٍّ.

يُوقِنُونَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْعَائِيَةِ ٣، ثَلَاثِي مَزِيدٌ: إِفْعَالٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ بِخَرَفِ الْجَزْمِ. ب، مَعْلُومٌ، ق ن، يُعْمَلُونَ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالنُّونِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الرَّفْعِ، خَبَرٌ. الْجُمْلَةُ الْكِبْرَى: مَعْطُوفَةٌ، لَا تَحَلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

امید است این خدمت قرآنی جدید، که برگرفته از طرح پژوهش مرکز زبان و ادبیات دانشگاه اصفهان به شماره ۹۲۱۱۱۱۱۸، و در سایت: ketabdar.info/earabolquran نیز قابل دسترسی است، کمکی در فهم و تدبیر کلام الهی و آشنایی با معارف قرآنی و رهگشای زندگی دنیا و توشه عتی باشد.

و اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ

دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان